

یکشنبه بیست و یکم اسفندماه ۱۴۰۱

نشست هجدهم ؛ سال دوم ؛ فقه هنر؛

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آباءه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا وحافظا و قائدا و ناصرا و دلیلا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا

**فقه هنر ؛ نقاشی و مجسمه سازی و...**

نکته چهارم : البحث مقصور علی عنوانین التصوير و التمثیل و نحوهما ...

صحبت بر این است اگر فقها روی نقاشی و یا مجسمه سازی بحث کرده اند ، روی عنوان اولی بحث بوده است .

عناوین ثانوی هم لازم نیست محرّم باشد ممکن است مرخص باشد .. اگر عناوین ثانوی مترتب شود، آن ربطی به این بحث ندارد ممکن است در مجسمه سازی و نقاشی قائل شویم به جواز اما یک عنوان ثانوی بیاید و مورد را به حرام الحاق کند . از مثال های بسیار با ارزش نقاشی چهره معصوم... یا مجسمه سازی چهره معصوم یا ..فیلم سازی

یا نشان دادن چهره معصوم .....

دغدغه بسیاری از فیلم سازان هست که در این گونه موارد چه باید کنند...

تشخیص عناوین ثانوی هم در غایت صعوبت است ...

کسانی که مدافع اند ؛ نشان دادن چهره معصوم مدعی اند که ما هیچ دلیلی بر منع نداریم..

از طرفی فیلم را واقعی تر می کند و نباید همیشه عوارض منفی را نگاه کرد باید زاویه مثبت را هم نگاه کرد ...دلیلی بر منع نداریم واصل بر جواز است و کمک هم میکند به اشاعه فرهنگ صحیح و فرهنگ اسلامی

...

اگر بخواهیم همه را بفشاریم مثل آب میوه ؛ کل اشکال به دو مطلب بر میگردد ؛ اشکال اول این است که وقتی چهره معصوم یا امام را نشان میدهید تقدس زدایی می شود هیبت زدایی می شود ؛ شمایعقوب علیه السلام را می خواهید نشان دهید در اطرافش پر است از زنان واطفالی که گرسنه اند و پسر عزیزش هم گم شده است ...بالاخره چهره باید چهره غمگین و ژولیده باشد ...مخاطب شما وقتی این گونه ببیند دیگر آن تقدسی که باید در چهره یعقوب علیه السلام ببیند دیگر نمی بیند ...

یا مثلا جناب یوسف بین مردم برود و نشان داده شود به هر حال به نوعی تقدس زدایی می شود...

بدون اینکه چیزی مترتب شود

دومین مورد این که گفته می شود شما همه این کار را می کنید که فیلم شما از حالت خیالپردازی به رئال تبدیل شود. شما نمیتوانید معصوم را واقع گرا نشان دهید... شما یوسف را نهایتا زیبا نشان دهید... اگر فیلم به امام حسین و امام زمان علیهما السلام کشیده شود که مطلب به مراتب جدیتر می شود... شما این موارد را چه می کنید؟

باید بعد فیلم ها از مخاطبین سوال شود که بعد این فیلم شما نگاهتان چقدر نسبت به یوسف علیه السلام عوض شد؟... از عوام هم نپرسیم و از فرهیختگان نپرسیم...

---

مجموعا بنده در این مورد قائل به جواز و با خبرگزاری مهر هم مصاحبه ای دارم در این باره ...  
در مجموع باید کار میدانی شود ....

تتبع

مشهور این است که در رساله چهار قول است .. به اضافه یک مورد اضافه

۱. الحرمة مطلقا مطلقا (مطلقا ی اول یعنی چه نقاشی و یا مجسمه باشد و مطلقای دوم یعنی چه ذوات ارواح باشد چه غیرذوات ارواح)... طبق این بیان شما اگر قلم بردارید و درخت بکشید ، حرام است... از این دو مطلقا سه قول دیگر هم در می آید .. یعنی قائل شود مجسمه حرام است نه نقاشی و ذی ارواح باشد یا غیر ذی ارواح ... که قهرا چهار قول در می آید...

۲. حرمت علی وجه

۳. حرمت علی وجه

۴. حرمت علی وجه

۵. جواز مطلقا

دو نفر از فقها یکی سترگ و دیگری هم صاحب نظر پیدا کردم که در اقاوالشان جواز در می آید .

یکی شیخ طوسی است در تبیان و دیگری مرحوم طبرسی است ... در مجمع البیان

جناب شیخ طوسی ذیل آیه ۹۲ سوره بقره ؛ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ

آن جا میفرماید: بنی اسرائیل اگر ملامت میشوند نه به خاطر ساختن مجسمه گوساله بود ؛ به خاطر این بود که اتخذوا العجل الها .... می گوئیم قرآن که بیان نکرده است ؟ می گوید تقدیر برای چیست ؟

کانه قال : اتخذتموه الها ...

بنده ایراد دارم بر این تقدیر گرفتنها و مجاز گرفتن ها ؛ سوال این است که نیازی است به این سوبسید دادن ها؟

این تقدیر گرفتن ها و مجاز گرفتن ها ، عظمت قرآن را می زند...

گر چه شیخ طوسی استاد همه ما ها است و همه ما به نوعی شاگرد او به حساب می آییم .

البته شیخ طوسی هست و عدم استقراره علی رای واحد....

ایشان در نهاییه قائل به حرمت شده است در تبیان به جواز و در نهاییه به حرمت ....

نهاییه جزء تالیفات اولیه شیخ است ...

و ظاهرا تبیان آخرین کتاب شیخ است ...

آقای تبریزی و سیستانی و منتظری ....از آقای تبریزی عبارت دارم ولی از آن دو بزرگوار عبارتی ندارم ؛

آقای تبریزی؛ قد تحصل من جميع ما ذكرنا؛ عدم تمام الدليل على حرمة التصوير بنحو النقش و لا بنحو التجسيم

محل بحث هم اعم از ذیروح و غیر ذیروح است ...

البته وان كانت تجسيم باعتبار عدم ظهور الخلاف في حرمة موردا للاحتياط ...

دلیل تمام نیست یعنی من جایز میدانم اگر این طور باشد احتیاط می شود مسبق به فتوا و می شود احتیاط واجب...

و فرد دیگری که جواز از او اصطیاد می شود ، آقا مصطفی خمینی است ؛ او شلوغ بحث می کند اما از کتابهایش نباید خود را محروم کرد ...

ایشان جمله ای را از پدر می آورد و آن را بررسی میکند ؛ مرحوم امام خمینی می گوید:

ظاهر بعض الاخبار این است که این نقاشی ها و مجسمه سازی ها به خاطر همان انگیزه های بت پرستی بوده و نه احترام به یک شخصی

مرحوم امام این حرفها را زمانی میزند که بشدت باستان گرایی وجود دارد /...البته نمی گوید همه اخبار و جالب این است که فتوا به جواز هم نمیدهد ....

مرحوم مصطفی: شما نخواندید که قرائن مقامیه مثل قرائن مقالیه است ؟ میگوییم البته که بله...

با توجه به فضاهای آن زمان و بت پرستی این مانع نمیشود از اطلاق ادله ؟

آقا مصطفی می گوید : یا محکم بایستید و همه را منع کنید یا این تفصیله را از بین ببرید ...

یک چیزی اگر ساختنش حرام است نگهداری آن هم حرام است ....

به هر حال آقا مصطفی هم قائل به جواز می شود....(جواز مطلقا )

مستند تحریر الوسيله ص ۳۷۴ و ۳۷۵....

ما چهار قول را رساندیم به پنج قول و جوازی که بسیار نحیف بود ، بیان کردیم  
آقای سیستانی در منهاج الصالحین ج ۲ ص ۱۱ و آقای منتظری در دراسات فی المكاسب المحرمه ج ۲ ص  
۵۹۵

مجموعاً دوست داشتم از اقوال سنی ها هم ، مطلبی بیان کنم ...  
از این جهت مهم است که ببینیم این ها نظر به چه داشتند ...